

مرگ غریب اروپا

مهاجرت، هویت، اسلام

www.ketab.ir

داگلاس ماری

حمیدرضا خطیبی



سرشناسه:

موری، داگلاس، ۱۹۷۹-م.

-1979, Murray, Douglas

عنوان و نام پدیدآور:

مرگ غریب اروپا: مهاجرت، هویت، اسلام /

نویسنده داگلاس ماری؛ مترجم حمیدرضا خطیبی؛ ویراستار فاطمه زمانی.

مشخصات نشر:

تهران: نشر هنوز، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری:

۵۵۲ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ م.م.

شابک:

۹۷۸-۶۲۲-۷۲۵۵۲۱-۸

وضعیت فهرست نویسی:

فیبا

یادداشت:

عنوان اصلی: The Strange Death of Europe: Immigration, Identity, Islam, 2017.

موضوع:

اروپا--اوضاع اجتماعی-- قرن ۲۱ م.

موضوع:

Europe -- Social Conditions -- 21st Century

موضوع:

اروپا-- سیاست و حکومت-- قرن ۲۱ م.

موضوع:

Europe -- Politics And Government -- 21st Century

موضوع:

اروپا-- اوضاع اقتصادی-- قرن ۲۱ م.

موضوع:

Europe -- Economic Conditions -- 21st Century

شناسه افزوده:

خطیبی، حمیدرضا، ۱۳۵۰-، مترجم

رده بندی کنگره:

۱۶۱۰

رده بندی دیویی:

۹۴۰/۵۶۱

شماره کتابشناسی ملی:

۷۲۶۹۱۵۴

مرگ غریب اروپا

نویسنده: داگلاس ماری

مترجم: حمیدرضا خطیبی

ویراستار: فاطمه زمانی

چاپ اول، تابستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۶۰۰۰۰ تومان

طراحی جلد مجموعه کتاب: استودیو کارگاه- مصطفی بهزادی، طراحی جلد کتاب: سپیده هنرمند

صفحه بندی: یاسر عزآباد

ناظر فنی چاپ: مصطفی شریفی

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است. هرگونه استفاده از متن این کتاب منوط به اجازه کتبی ناشر است.
نشر هنوز، تهران، صندوق پستی ۱۴۸۶-۱۹۳۹۵ ... Info@hanoozpub.com ... www.hanoozbooks.com

۹	 مقدمه مترجم
۱۵	 مقدمه
۳۱	 ۱. سرآغاز
۵۱	 ۲. چگونه در باتلاق مهاجرت گرفتار شدیم
۷۳	 ۳. بهانه‌هایی که برای خودمان آوردیم
۱۱۱	 ۴. «به اروپا خوش آمدید»
۱۳۵	 ۵. «ما همه چیز را دیده‌ایم»
۱۶۳	 ۶. چندگانگی فرهنگی
۲۰۹	 ۷. آن‌ها این‌جا نیستند
۲۲۷	 ۸. پیام‌آورانی بی احترام
۲۵۱	 ۹. اخطارهای اولیه
۲۶۵	 ۱۰. بلایی به نام احساس گناه
۲۹۹	 ۱۱. ادعای بازگرداندن مهاجران
۳۲۳	 ۱۲. کنار آمدن با شرایط
۳۴۹	 ۱۳. خستگی
۳۹۱	 ۱۴. آنچه روی دست مان مانده است
۴۱۱	 ۱۵. کنترل موج متقابل
۴۳۳	 ۱۶. احساس آن‌که به پایان راه رسیده‌ایم
۴۷۱	 ۱۷. پایان
۴۸۷	 ۱۸. چه می‌توانست باشد
۵۰۷	 ۱۹. چه خواهد شد؟
۵۲۷	 فهرست نام‌ها

مقدمه مترجم

مرگ غریب اروپا، اثر داکلاس ماری، کتابی است درباره جنبش رویه گسترشی که بذره‌های آن پس از جنگ دوم جهانی و با پایان عصر استعمار در غرب پاشیده شد، دست و پای آن در سایه اتهام اشباح ناخوشایند تاریخ غرب مانند نژادپرستی (یا بهسازی نژادی) و فاشیسم بسته ماند و اینک در سال‌های اخیر به نظر می‌رسد خود را از قید و بندهای پیشین می‌رهاند و با خشم و خشونت اعلام وجود می‌کند، جنبشی که پیش‌تر با عناوینی مانند راست افراطی، فاشیسم، نژادپرستی، نئونازیسم، بیگانه‌هراسی، انزواطلبی، مهاجرت‌گریزی، اسلام‌هراسی و ضدیت با چین، روسیه و دیگر حوزه‌های تمدنی توصیف شده است؛ اما اگر به عمق برویم، ماهیت آن از جنس محافظه‌کاری اجتماعی است. در نظر داشته باشیم این جنبش در هر دوسوی اقیانوس اطلس در خیزش است؛ در ایالات متحد ابتدا در قالب نومحافظه‌کاری در دهه اول قرن بیست و یکم که اینک پروژه‌ای شکست خورده محسوب می‌شود و سپس در قالب پیروزی داند ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا، تحولی برخلاف تمام

پیش‌بینی‌ها و انتظارات (که نشانه اطلاعات ناکافی در این باره است)؛ و نیز در اروپا، قاره‌ای که محافظه‌کاری مذهبی با توجه به تحولات و وقایع تاریخی در آن امکان نشو و پا گرفتن ندارد (در نظر داشته باشیم سکولاریسم اروپایی، به خلاف همتای آمریکایی‌اش، بر مبنای ضدیت و عناد با مذهب و حاکمیت کلیسا شکل گرفت)، و در قالب محافظه‌کاری اجتماعی نیز طی دهه‌های پس از جنگ دوم جهانی، با اتهاماتی جدی و مبتنی بر فجایع تاریخی — به عنوان مثال فاشیسم — از سوی دولت‌ها و رسانه‌های غالب سرکوب می‌شده است. اما با آشکار شدن ضعف‌های نظم پس از جنگ جهانی و دگرگونی جهان، آن گونه که می‌شناسیم، و ظهور معادلات و توازن و نظم جدید، محافظه‌کاری اجتماعی به‌رغم تمام موانع در اروپا در حال ظهور است، از به قدرت رسیدن راست‌های افراطی‌ها، در واقع، محافظه‌کاران اجتماعی در کشورهایمانند ایتالیا و یونان گرفته تا برگزیت، خروج یکی از مهم‌ترین جوامع قاره از اتحادیه اروپا، و مخالفت و مقاومت علیه مهاجران که به تدریج رنگ و بوی خشونت به خود می‌گیرد.

نزدیک‌ترین خویشاوند این جنبش، چنان که گفتیم، پلیده‌ای بود که در دهه اول قرن بیست و یکم تحت عنوان نو محافظه‌کاری در ایالات متحده ظاهر شد، جنبشی مبتنی بر ارزش‌های مسیحی — یهودی، اما نگاه آن به دین ماهیتی ایدئولوژیک و ارزشی داشت و جنگ‌های فاجعه‌باری — به خصوص جنگ آمریکا در عراق — به راه انداخت و در نهایت با پایان دولت جورج بوش شعله‌های آن جنبش نیز فرو خوابید. اما نگاه محافظه‌کاری اجتماعی به دین متفاوت است، فرهنگ مسیحی — یهودی را میراث غرب می‌داند، نگاهی به آن عاطفی و نوستالژیک است، نه ارزش‌مدار و ایدئولوژیک. این تفکر غرب را میراثی تمدنی می‌داند که بذرهایش در یونان و روم باستان پاشیده شد، با ورود فرهنگ مسیحی — یهودی از عصر باستان گذشت و هویت خود را به تدریج به دست آورد، با رنسانس و

وقایعی مانند فروپاشی فنودالیسم، کشف قاره آمریکا، انقلاب صنعتی و عصر روشننگری چهره امروزی خود را تقریباً آشکار ساخت، در عصر استعمار به گوشه و کنار جهان رسید، شاخه‌هایش را در سراسر جهان — از قاره آمریکا گرفته تا اقیانوسیه و بخش‌هایی در آفریقا و آسیا گستراند و در پی انقلاب علمی و دو جنگ جهانی، به وضعیت کنونی رسید، تمدنی که اینک ماهیت و وجودش در معرض تهدید قرار گرفته است. در آمریکای شمالی، این جنبش پس از شکست پروژه نو محافظه‌کاری (ناکامی ایالات متحد در خاورمیانه و تحلیل رفتن بنیة اقتصادی و اخلاقی این کشور به عنوان سردمدار غرب مسیحی) و پیروزی نخستین رنگین‌پوست در انتخابات ریاست جمهوری و نفوذ گرایش‌های چپ در حزب دموکرات (به خصوص رویکرد موسوم به «نزاکت سیاسی»^۱)، ابتدا در قالب جنبش تی پارتی ظهور کرد و سپس، با بسیج شدن پشت سر داندل ترامپ، وی را به کاخ سفید فرستاد. استیو بنن، معزز متفکر کارزار انتخاباتی ترامپ در سال ۲۰۱۶، از چهره‌های شاخص محافظه‌کاری اجتماعی محسوب می‌شود. بعید به نظر می‌رسد این جنبش مبتنی بر هویت غربی حتی به رغم ناکامی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ نیز از حرکت بایستد. در نظر داشته باشیم شمار آرای ترامپ در

۱. «نزاکت سیاسی» جنبشی بود که از اواخر دهه ۱۹۵۰ پایه‌های جنبش‌های حقوق مدنی در محافل آکادمیک ایالات متحد و غرب مطرح شد و فرض مبنایی آن بر این است که هیچ‌کسی را نباید به خاطر داشتن خصوصیتی که خود در داشتن‌شان نقشی نداشته است، مورد سرزنش قرار داد، خصوصیتی که از ظاهر و ویژگی‌های فیزیکی غیر اکتسابی افراد تا زمان، مکان، فرهنگ و شرایطی که ناخواسته در آن قرار گرفته‌اند در برمی‌گیرد، از جمله ملیت، قومیت، مذهب اجدادی، میراث فرهنگی و... مدافعان این رویکرد در پی آن‌اند تا افراد و گروه‌های آسیب‌پذیر و در حاشیه جوامع، به خاطر پیشینه خود مورد تبعیض و آزار قرار نگیرند. این رویکرد با اقبال عمومی قابل توجهی در غرب رویه‌رو شد، گرچه در مواردی به وادی افراط و زیاده‌روی نیز کشانده شده است. به عنوان نمونه، کارگردانی در هالیوود به ادبیات به کاررفته در فیلم *Django Unchained* (جنگجوی زنجیر گسسته اثر سال ۲۰۱۲ کونتین تارانتینو) تاخت که چرا در آن از کلمه negro استفاده شده است. حال آن که این کلمه امروزه توهم‌آمیز و غیرقابل‌پذیرش، در قرن نوزدهم و عصر برده‌داری، اصطلاحی متداول بوده و مشخص نیست فیلم‌ساز می‌بایست از چه جایگزینی برای آن در فیلمی با مضمون تاریخ برده‌داری استفاده می‌کرد (Political Correctness). - م.

انتخابات ۲۰۲۰ از مجموع رأی هر رئیس جمهوری در تاریخ آمریکا بیشتر بود. نادیده گرفتن این جنبش اشتباهی خواهد بود جدی.

در اروپا این جنبش یا، در واقع، واکنش اجتماعی به تهدید دگرگونی غرب، به خصوص در پی شدت گرفتن موج مهاجرت از خاورمیانه و شمال آفریقا به قاره سبز به تدریج ظاهر شد. چنان که اشاره کردیم، در ابتدا این واکنش با ایراد اتهامات تاریخی و پیشینه ناخوشایند گرایش های راست به کل نادیده گرفته شد؛ سپس تلاش شد دست و پای آن بسته شود، اما با وقوع فجایعی در آن سوی مدیترانه — مانند وقایع سوریه و لیبی — و برخاستن موج عظیم پناهجویان، شکست پروژه ادغام مهاجران در فرهنگ های اروپایی و در نهایت تبدیل موج پناهجویان به سیلابی غیرقابل مهار، دیگر امکان انکاری محدود کردن این تفکر و رویکرد محافظه کارانه وجود ندارد. محافظه کاری اجتماعی اینک مهم ترین تهدید علیه سیاست غالب (mainstream) اروپای پس از جنگ جهانی محسوب می شود.

برگزیت بی تردید مهم ترین کنش این جعبش تاکنون بوده است؛ جدا شدن راه بریتانیا از اتحادیه اروپا تا حدی نتیجه تشدید محافظه کاری اجتماعی در این کشور است. بریتانیایی های انزواطلب در اواخر دهه ۱۹۹۰ و کل دهه اول قرن بیست و یکم تحت حاکمیت دولت چپ گرای کارگر، پذیرای امواج گسترده مهاجرانی از حوزه های تمدنی غیر غربی بودند، و پس از شکست پروژه ادغام مهاجران، که دولت های وقت آن را پی می گرفتند، در نهایت راه خود را از بقیه قاره جدا کردند. دیگر کشورهای قاره نیز در حال تجربه این واکنش اجتماعی اند: در آلمان، فرانسه، و ایتالیا با تردید، و در یونان و ممالک اروپای شرقی همچون مجارستان و لهستان با قاطعیت. استیو بنن، نظریه پرداز رسانه ای محافظه کاری اجتماعی، مدت ها است روانه اروپا شده است تا به پیشبرد این پروژه در آن جا نیز کمک کند.

داگلاس ماری، نویسنده این کتاب، از محافظه کاران سرشناس بریتانیا است